



جواد نوائیان رودسری – در مرور وقایع انقلاب اسلامی در مشهد، بدون تردید، اتفاقات روزهای نهم و دهم دی ماه سال ۱۳۵۷ را باید اوج مبارزه مردم با عوامل رژیم پهلوی در این شهر بدینام. درواقع، آن چه به عنوان تجربه مبارزه، طی اتفاقات ماه‌های قبل، از حمله به حرم مطهر و پس از آن، واقعه حمله به بیمارستان امام رضا(ع) و تحصن ۱۴ روزه مقابل آن، برای انقلابیون حاصل شده بود، در روزهای نهم و دهم دی ماه به کار گرفته شد و به گواهی بسیاری از فعالان انقلاب، به شکست قطعی رژیم شاه در مشهد انجامید. در این مبارزات، بی گمان حضور مؤثر و مدیریت مثلث رهبری انقلاب در مشهد، انکار نشدنی است؛ آیتا... سیدعلی خامنه‌ای، آیتا... واعظ طبسی و حجت الاسلام هاشمی نژاد که هدایت جریان مبارزه در شهر را عهده‌دار بودند. واکنش ماشین کشتار شاه، به این اقدام، چنان که انتظار می‌رفت، شدید و وحشیانه بود؛ اما نتوانست مردم را نسبت به آرمان و هدفی که داشتند، مأیوس کند. آن چه در پی می‌آید، مروری است بر حوادث و رویدادهای آن قیام بزرگ و سرنوشت ساز در مشهد.

■ شکل گرفتن تظاهرات میلیونی

استانداری یکی از معدود مراکز دولتی در مشهد بود که هنوز در اختیار عوامل رژیم پهلوی قرار داشت. ۶ دی ماه ۱۳۵۷ بود که خبر تحصن کارکنان استانداری و پیوستن آن‌ها به جریان انقلاب، در همه شهر منتشر شد. به منظور حمایت از اقدام انقلابی کارکنان استانداری و جلوگیری از تعرض نیروهای نظامی رژیم به آن‌ها، مثلث رهبری انقلاب در مشهد که شامل حضرت آیتا... خامنه‌ای، مرحوم آیتا... واعظ طبسی و شهید هاشمی نژاد بودند، برنامه یک راهپیمایی گسترده را به سمت استانداری، طراحی کرد. مردم به تدریج در میدان شهدا تجمع و به سمت حرم مطهر حرکت کردند. تجمع اصلی تظاهر کنندگان، مقابل مدرسه علمیه نواب بود. مردم پس از سردادن شعارهای انقلابی، به سمت فلکه حضرت حرکت کردند و از آن جا، وارد خیابان تهران (خیابان امام رضا(ع) فعلی) شدند. هر لحظه بر انبوه جمعیت تظاهر کننده افزوده می‌شد. حضرت آیتا... خامنه‌ای در باره آغاز این حرکت تاریخی در مشهد می گویند: «در راهپیمایی روز نهم

۱۰ دی ۵۷

غوغای «ماشین کشتار» شاه در مشهد

در وقایع «یک شنبه خونین مشهد»، ماموران رژیم پهلوی کوشیدند با قتل عام صدها نفر از مردم، آن‌ها را وادار به ترک صحنه مبارزه کنند، اما نتیجه این اقدامات، عقب نشینی و ابستگان رژیم و به دست گرفتن کنترل شهر توسط انقلابیون بود



دی ماه که مصادف با اول صفر المظفر بود، قرار شد مقصد راهپیمایی بر خلاف معمول، این دفعه باغ استانداری باشد. جمعیت از بالا خیابان (خیابان شیرازی) به طرف فلکه آب (میدان بیت المقدس) حرکت کرد و از آن جا وارد خیابان عریض تهران شد. اوج و شکوه راهپیمایی در خیابان تهران را هرگز فراموش نمی‌کنم. در این خیابان شصت متری، تقریباً جمعیت موج می‌زد و علما پیشاپیش جمعیت بودند. من نگاه کردم و دیدم خیلی از علمایی که تا آن روز دیده نمی‌شدند، در جمع راهپیمایان حضور داشتند. جمعیت با یک نظم واقعا شگفت‌آوری، مانند کوهی آرام، مثل یک قطار عظیم، به سمت استانداری در حرکت بود. «ظاهرا در آن روز، مسیر راهپیمایی تنها خیابان تهران نبوده است. جمعیت زیادی از مردم مشهد نیز، از طریق میدان تقی‌آباد (دکتر شریعتی) و خیابان بهار، به سمت چهارراه استانداری در حرکت بودند. حضور میلیونی مردم در این راهپیمایی، بی سابقه بود. به اذعان شاهدان، مشهدی‌های شرکت کننده در راهپیمایی، به مراتب از شرکت کنندگان در تظاهرات روزهای تاسوعا و عاشورائیز، بیشتر بودند. با ورود مردم به باغ استانداری، مقدمات سخنرانی حضرت آیتا... خامنه‌ای فراهم شد. ناگاه ورود یک جیب‌ارتنشی به باغ استانداری، اوضاع را متشنج کرد. با وجود این که مسئولان برگزاری راهپیمایی توانستند با کمک مردم، جیب و سرنشینان آن را از محوطه خارج کنند، اما شلیک چند گلوله و ورود تانک‌ها به چهارراه استانداری، التهاب شدیدی در میان مردم ایجاد کرد.

■ درگیری اوج می‌گیرد

ورود موج نخست نظامیان به چهارراه استانداری و رفتار توأم با مماشآت آن‌ها، مردم را به این باور ساند که نیروهای ارتش به انقلاب پیوسته‌اند. حتی در آن روز، برخی از مردم مشهد به استقبال گروه نخست ارتشی‌ها رفتند؛ اما اتفاقات بعدی نشان داد که همه نظامیان در این زمینه، فکر متحرکی ندارند؛ با ورود گروه دوم تانک‌ها و نفربرها، ورق برگشت. گروه دوم، اصولا برای سرکوب مردم آمده بود. طولی نکشید که تیراندازی به سوی مردم آغاز شد. جمعیت به هر سو فرار می‌کرد. در چهارراه لشکر، تانکی که پس از تیراندازی به مردم و شهید

به یاد استاد منوچهر آریانپور و خدمات او به فرهنگ ایران

نیم قرن ریل گذاری برای پویایی دانش ترجمه



منوچهر آریانپور نامی است که شاید تا قرن‌ها بعد، در ذهن اهالی علم در ایران باقی بماند. او نقشی بسیار اساسی در نهادهایه کردن فنون نوین ترجمه در ایران و فراگیر کردن آن در میان اندیشمندان و دانش‌پژوهان این سرزمین داشت. دکتر منوچهر آریانپور، متولد هفتم شهریور ۱۳۰۸ در کاشان که دوشنبه پیش، در ۹۲ سالگی دارفانی را وداع گفت، مؤسس مدرسه عالی ترجمه در سال ۱۳۴۸ بود؛ او این مرکز بسیار مهم آموزشی را با کمک پدر فقیدش، عباس آریانپور کاشانی که در زمره برجسته‌ترین مترجمان تاریخ ایران قرار دارد، راه‌اندازی کرد؛ مدرسه‌ای که نسلی جدید از مترجمان برجسته کشور را پرورش داد و این فن را از حالتی دل‌بخوایی، غیر حرفه‌ای و آسیب‌زننده به هویت و ماهیت زبان فارسی، به‌دانشنی ساختارمند و آکادمیک تبدیل کرد. در واقع مرحوم آریانپور، راه مترجمان بزرگ نسل قبلی را، مانند استاد احمد آرام و عباس آریانپور، به‌تحواسن ادامه داد و آن را مبدل به روندی نظام‌مند کرد. زنده‌یاد منوچهر آریانپور که سابقه تدریس در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا را در دهه ۱۳۴۰ داشت، در آغاز دهه ۱۳۵۰ تصمیم گرفت با کمک دانشجویانش در مدرسه عالی ترجمه، گامی بلند برای بهبود اوضاع این فن در ایران بردارد؛ تألیف واژه‌نامه‌ای که بتواند گستره بیشتری از لغات بین دو زبان انگلیسی و فارسی را پوشش دهد. این اقدام اهری‌دی، با حمایت پدرش، مرحوم عباس آریانپور و همراهی دوستان و

تاریخ

باغ ملی که رسیدیم، صدای گلوله‌ها نز دیک بود و صدای مسلسل قطع نمی‌شد. همه را به گلوله می‌بستند. یک کشتار وحشیانه مقابل نانوائی چهارراه لشکر شد. «سبل مجروحان و شهدا به سمت بیمارستان امام رضا(ع) جاری شده بود. مأموران رژیم حتی خودروهای پارک‌شده را هم، هدف قرار می‌دادند. آیتا... خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌هایشان در باره وقایع روز دهم دی ماه سال ۱۳۵۷ در مشهد، می‌گویند: «آن روز، روز عجیبی بود. خبرهایی که می‌رسید، نشان‌دهنده کمال وحشی‌گری و جنایت دستگاه[حاکم] بود. از جمله خبرها این بود که ماشین‌های ارتشی در خیابان‌ها راه افتاده‌اند و هر جا صفت نفت یا صفت نان که آن روزها زیاد دیده می‌شد، [می‌دیدند] به رگبار می‌بستند. [در] چهارراه نادری (شهدا) و خیابان‌های اطراف، حملات سختی انجام شد. این در حالی بود که بر اساس گزارش‌های رسمی شهربانی رژیم، در آن روز تعداد اجتماعات بسیار کمتر از روز نهم دی ماه بود. انقلابیون که نمی‌توانستند شاهد شهادت برادران و خواهرانشان باشند، دست به مقاومت زدند. ساختمانی نظامی در چهارراه شهدا به تصرف نیروهای مردمی درآمد و اسلحه‌های موجود در آن مصادره شد. درگیری در این محل بسیار شدید بود؛ به طوری که ساعت ۱۱ صبح، نیروهای نظامی رژیم به فرماندهی سرهنگ فریدونی و سرتیپ خسرو داد، خود را به خیابان شیرازی رساندند و کوشیدند با تیراندازی مستقیم به مردم وارد آوردن تلفات سنگین، جمعیت را متفرق کنند. همزمان دستگیری گسترده معترضان آغاز شد؛ مرد، زن، کودک، پیر و جوان برای مأموران فرقی نداشت؛ آن‌ها همه را بازداشت می‌کردند. سرانجام نظامیان رژیم، با استفاده از سلاح‌های سبک و سنگین، مردم را از حوالی چهارراه شهدا متفرق کردند. اطراف بیت آیتا... العظمی شیرازی نیز، غوغایی برپا بود. تعداد زیادی از افرادی که اطراف بیت این مرجع تقلید حضور داشتند، هدف گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. کشتار و وحشی‌گری عوامل رژیم پهلوی در یک شنبه خونین مشهد، تا بعد از ظهر ادامه داشت. در این واقعه، ده‌ها نفر از مردم مشهد به شهادت رسیدند و صدها تن مجروح و بازداشت شدند، اما این جنایات نتوانست باعث بقای رژیم و تداوم تسلط بر شهر مشهد شود. اقدامات روزهای بعد و مبارزات مداوم مردم با مأموران، خیلی زود باعث عقب‌نشینی رژیم در مشهد شد و مردم، اداره شهر را به طور کامل در اختیار گرفتند.



■ آغاز «یک شنبه خونین»

پاسخ ارتشبد اویسی به تماس فرزند آیتا... العظمی شیرازی، تقریباً علما و رهبران انقلاب را در شهر مشهد مطمئن کرد؛ ده بود که فردا، هر تظاهراتی به شدت سرکوب می‌شود؛ اما دیگر امکان اطلاع‌رسانی وجود نداشت. به دستور فرمانده لشکر ۷۷، اجساد سربازان و مأمورانی که در وقایع روز قبل کشته شده بودند، در مراسم صبحگاه ارتش به نمایش گذاشته شد. این اقدام برای تحریک کردن نظامیان علیه مردم بود. گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تعدادی از این قتل‌ها، به وسیله افراد مشکوک و احیاناً مأموران رژیم انجام شده است؛ آن‌ها با این اقدام در پی واداشتن سربازان، در جه‌داران و افسران به شدت عمل در مقابل اعتراضات مردمی بودند. در نخستین ساعات صبح روز یک شنبه، دهم دی ماه سال ۱۳۵۷، حرکت تانک‌ها در شهر، زمین را به لرزه درآورد. مأموران رژیم، هر جنبنده‌ای را هدف قرار می‌دادند. تجمع انقلابیون مقابل باغ ملی و مهمانسرای ارتش، با آتش سنگین مسلسل‌ها متفرق شد. «قاسم صفریان» یکی از شاهدان عینی این وقایع، در خاطرات خود می‌نویسد: «به



در باره وقایع این شب می‌گویند: «آن شب ما منزل آقای شیرازی بودیم. پسر ایشان با اویسی (فرمانده نیروی زمینی و گارد شاهنشاهی) تماس گرفت. باهم صحبت کردند. ایشان به اویسی گفت که آقا (آیتا... العظمی شیرازی) به شدت از عملیاتی شاه بودند، به فرماندهی سرهنگ کلامی، مردم را به گلوله بستند. درگیری در حوالی چهارراه لشکر پس از آغاز تیراندازی مستقیم نظامیان شدیدتر شد. تعدادی از انقلابیون خود را به هر شکل ممکن، به سرهنگ کلامی رساندند و او را کشتند. حوالی بعد از ظهر آن روز، شریاطو خیم‌تر شد. رهبر انقلاب در خاطر اشتان می‌گویند: «ما در مسجد کرامت، یعنی ستاد عملیات انقلابی مشهد بودیم و با تلفن و تماس و ارتباط با افراد، با جریان‌ها ارتباط داشتیم. به نظر می‌رسید که یک حرکت حساب نشده و غیرقابل کنترلی در جریان است. مردم به چند کلانتری حمله کردند و آن‌ها را به آتش کشیده بودند. بعضی جاها هم اجتماعات مردمی برپا شده بود.» حمله به مراکز دولتی با تصرف کلانتری ۶، واقع در ابتدای خیابان کوهسنگی، اوج گرفت. کارخانه پیسی کولا واقع در خیابان کوهسنگی که متعلق به جریان بهائیت بود نیز، در آتش سوخت. مردم خشمگین به مرکز فرهنگی ایران و انگلیس، واقع در خیابان کوهسنگی، مقابل بیمارستان مادر (امروزه کمی بالاتر از زیست خاور قرار دارد) حمله کردند و آن جا را هم آتش زدند. این اتفاق برای مرکز فرهنگی ایران و آمریکا در خیابان قائم نیز بروی داد. ساعتی بعد، با شلیک گلوله از اداره آگاهی، واقع در خیابان پاستور، به سوی تظاهر کنندگان، مهندس محمدسالیانی به شهادت رسید. این اقدام باعث حمله مردم به اداره آگاهی و به آتش کشیدن آن شد.

■ التهاب مشهد در شب دهم دی

شب هنگام و در حالی که شهر همچنان به دلیل وقایع روز نهم دی ماه ملتهب بود، علما و رهبران انقلاب در مشهد، در منزل آیتا... العظمی سیدعبدا... شیرازی جمع شدند تا چاره‌ای بیابند. آمار شهدا و مجروحان مشخص نبود، اما گزارش‌ها از شهادت تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع خبر می‌داد. آیتا... خامنه‌ای در خاطرات خود، خشمگین به مرکز فرهنگی ایران و انگلیس، واقع در خیابان کوهسنگی، مقابل بیمارستان مادر (امروزه کمی بالاتر از زیست خاور قرار دارد) حمله کردند و آن جا را هم آتش زدند. این اتفاق برای مرکز فرهنگی ایران و آمریکا در خیابان قائم نیز بروی داد. ساعتی بعد، با شلیک گلوله از اداره آگاهی، واقع در خیابان پاستور، به سوی تظاهر کنندگان، مهندس محمدسالیانی به شهادت رسید. این اقدام باعث حمله مردم به اداره آگاهی و به آتش کشیدن آن شد.



اگهی موضوع عاده ۳ قانون و ماده ۱۴ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت نئنی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۳۱۶-۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ هیات به شماره کلاسه ۱۲۸-۱۳۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت نئنی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بخنورد تصرفات مالکانه بلا معاوضه متقاضی خاتم عصمت رنجبر بدیل فرزند محمود به شماره شناسنامه ۱۷۹ صادره از بخنورد در یک باب ساختمان به مساحت ۲۴۴.۴۶ متر مربع از پلاک ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند بخش دو بخنورد خریداری از مالک رسمی آقای محمد ضیعی فرزند عباسعلی محرر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز اگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

احمد امیری شروان- رئیس ثبت اسناد و املاک